



## آموزه سوم: آزادی

۱- ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است

**قلمرو زبانی:** مرغ: پرنده / بهر: برای (هماوا- بحر: دریا) / وطن: میهن (قبل از مشروطه وطن به معنای زادگاه

به کار می‌رفته است) / مسلک: روش، طریق / گرفتار قفس: زندانی / همچو: مانند / **قلمرو ادبی:** قالب: غزل

اجتماعی / وزن: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (ویژه رشته انسانی) / ناله: منظور «خواندن و شعر گفتن» / مرغ:

استعاره از خود سخنور یا هر فرد آزاده / همچو من: تشبیه، جانبخشی / مرغ: واژه‌آرایی / مرغ، گرفتار، قفس، اسیر: تناسب / واج‌آرایی: نقش

نمای اضافه، «م» و «س»

بازگردانی: آواز خواندن پرنده اسیر (خود سراینده) برای میهنش است. روش مرغ در قفس افتاده نیز همانند من است.

**پیام:** میهن دوستی

۲- همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خیر از من به رفیقی که به طرف چمن است

**قلمرو زبانی:** همت: گرایشی نیرومند به پیشرفت و دستیابی به هدفهای والا (در اینجا کمک)، در اصطلاح تصوف عبارت است از توجه قلب با تمام

قوای روحانی خود به جانب حق (۱- عزم و اراده ۲- دعای خیر، کمک) / طرف: کنار، کناره / به: در / **قلمرو ادبی:** باد سحر: جانبخشی، استعاره،

نماد پیام رسانی / واج‌آرایی «ب» / چمن، من: جناس ناهمسان افزایشی / چمن: مجاز از باغ و بوستان / به طرف چمن است: کنایه از این که آزاد

است

بازگردانی: یاری و کمک از باد بامدادی می‌خواهم که پیام مرا به یارم که در باغ و بوستان آزادانه خوش می‌گذراند برساند تا برای آزادی من کاری

انجام دهد.

**پیام:** درخواست کمک

۳- فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس نکند مثل من است

**قلمرو زبانی:** حذف به قرینه لفظی: فکری در مصراع دوم / **قلمرو ادبی:** فکری بنمایید: کنایه از کاری انجام دهید / مثل من: تشبیه / واج‌آرایی:

«ن» / جناس ناهمسان: در، هر

بازگردانی: ای هم میهنان برای آزادی خودتان کاری انجام دهید و گرنه شما نیز مانند من گرفتار و زندانی می‌شوید.

**پیام:** به دنبال آزادی بودن

■ در بیت زیر نوع دقیق «وابسته‌های پسین» گروه اسمی مشخص شده را بنویسید. «خارج خرداد ۹۸»

الف) فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس نکند مثل من است



**پاسخ:** آزادی: ره: هسته / مضاف الیه / خویش: مضاف الیه مضاف الیه

#### ۴- خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

**قلمرو زبانی:** کاو: که او، مرجع ضمیر آن «خانه» / اجانب: ج اجنبی، بیگانگان / از: با (سست پیوندی) // بیت الحزن: خانه اندوه، غمگده، ماتمکده / (آن خانه) بیت الحزن است: حذف به قرینه لفظی / حشو: «ش» در عبارت «کنش» / **قلمرو ادبی:** خانه: استعاره از کشور و میهن / دست: مجاز از توان و نیرو / با اشک ویران کردن: اغراق / تلمیح: اشاره به داستان حضرت یعقوب یا داستان حضرت زینب / آباد، ویران: تضاد / بیت الحزن است: تشبیه فشرده یا رسا / واژه‌آرایی: خانه بازگردانی: کشوری که با توانمندی و امکانات بیگانگان آباد شود باید آن کشور را با اشک مردم ویران کرد؛ زیرا آن کشور همانند ماتمکده است نه کشور.

**پیام:** بیگانه ستیزی، عدم وابستگی به بیگانگان

#### ۵- جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

**قلمرو زبانی:** جامه: تن پوش / کاو: که او، مرجع ضمیر آن «جامه» / بهر: برای (هم‌آوا ← بحر: دریا) / بدر: پاره کن (بن ماضی: درید، بن مضارع: در) / که: زیرا که / ننگ: بی آبرویی، شرمندگی / کم: کمتر، کم ارزش تر / **قلمرو ادبی:** جامه: مجاز از تن یا شهروند / غرقه به خون: آغشته به خون، استعاره پنهان، کنایه از جان فشانی / بدر آن جامه: کنایه از نابود کن / تن: مجاز از انسان / واچ‌آرایی «ن»، «ک» / واژه‌آرایی: جامه / جامه، تن، کفن: تناسب بازگردانی: بدنی که برای میهنش آغشته به خون نگردد و انسانی که برای کشورش جان فشانی نکند، آن را باید نابود کرد؛ زیرا باعث ننگ انسان است و کم ارزش تر از کفن. **پیام:** جان فشانی برای میهن

#### ۶- آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

**قلمرو زبانی:** کس: منظور محمد علی شاه / مُلک: پادشاهی، فرمانروایی، کشور / اهرمن: شیطان / **قلمرو ادبی:** تلمیح / واچ‌آرایی «ک» / سلیمان، اهرمن: تضاد / سلیمان کردیم: تشبیه، به فرمانروایی رساندیم / تناسب: ملک، سلیمان، اهرمن / او اهرمن است: تشبیه بازگردانی: آن کسی را که در کشورمان همانند سلیمان به فرمانروایی رساندیم، مردم امروز فهمیدند که او شیطان بوده است.

**ابوالقاسم عارف قزوینی**

**پیام:** فساد فرمانروایان



## دفتر زمانه



۱- هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

**قلمرو زبانی:** آری (دلم) غم نداشت: حذف به قرینه لفظی / **قلمرو ادبی:** قالب: غزل  
اجتماعی / وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (ویژه رشته انسانی) / کم، بیش: تضاد /  
واژه آرایبی: کم، بیش، غم، نداشت / غم کم و بیش نداشتن: کنایه از در بند مادیات نبودن  
/ کم، غم: جناس /

بازگردانی: هرگز من در بند مادیات و داشتن و نداشتن نبوده ام. هر کس در بند جهان مادی نباشد غم نخواهد داشت.

**پیام:** وارستگی

۲- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

**قلمرو زبانی:** فتد: می‌افتد (بن ماضی: افتاد، بن مضارع: افت) / **قلمرو ادبی:** دفتر زمانه: اضافه تشبیهی / نامش از قلم فتد: کنایه از فراموش شدن /  
صاحب قلم: کنایه از نویسنده، اندیشمند / واژه آرایبی: قلم / تناسب: دفتر، قلم، صاحب قلم / واج آرایبی «م»  
بازگردانی: هر ملتی که مردم دانا و دانشور نداشته باشد، نامش در درازنای تاریخ فراموش خواهد شد.  
**پیام:** ماندگاری نام هنرمندان

۳- در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

**قلمرو زبانی:** پیشگاه: بارگاه / اهل خرد: خردمند / **قلمرو ادبی:** پیشگاه: مجاز از نظر و اندیشه / جامعه: مجاز از مردم جامعه / واژه آرایبی: محترم  
/ بازگردانی: هر کس که به مردم ارج ننهد در نظر خردمندان ارجمند و گرامی نخواهد بود.  
**پیام:** احترام به جامعه

۴- با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

**قلمرو زبانی:** تهی: خالی / را: به معنای دارندگی و مالکیت / فراغت: آسایش و آرامش / جمشید جم: حشو / که جمشید جم (آن فراغت را) نداشت:  
حذف به قرینه لفظی / **قلمرو ادبی:** واج آرایبی «ج»، «م» / تلمیح به داستان جمشید، پادشاه پیشدادی / جناس: جام، جم؛ مال، ما / لف و نشر: جیب  
← مال؛ جام ← می / تهی بودن جیب از مال: کنایه از تهیدستی / تهی بودن جام از می: کنایه از نداشتن رفاه و خوشی



بازگردانی: با آن که من تهیدستم و رفاه ندارم؛ اما آسایش و آرامشی دارم که جمشید آن آرامش را نداشت.

**پیام:** داشتن آرامش با وجود تهیدستی

#### ۵- انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی / چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

**قلمرو زبانی:** بسی: بسیار / چون: مانند / فرخی: نام هنری سخنور / موافق: هم رای و همراه، همدستان / حذف به قرینه لفظی: چون فرخی، [انصاف و عدل] موافق ثابت قدم نداشت / **قلمرو ادبی:** چون فرخی: تشبیه / موافق: واژه‌آرایی / ثابت قدم: کنایه از استوار رای، دارای اراده نیرومند، ثابت رای و ثابت عزم / داشت، نداشت: تضاد

بازگردانی: بسیاری از مردم با انصاف و عدالت همراهی و همدستان بودند؛ اما کسی مانند فرخی برای دادگستری و عدالت پیشگی پایدار و استوار نبود.

**فرخی یزدی**

**پیام:** پایداری در دادگستری

### کارگاه متن پژوهی

#### قلمرو زبانی

۱- معنای واژه «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

**الف)** همت اگر سلسله جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود (وحشی بافقی) / «همت»: «اراده و کوشش»

سلسله: زنجیر / سلسله جنبان: آنکه زنجیر را می‌جنباند / سلسله جنبان: کنایه از محرک، آن که دیگران را به کاری برمی‌انگیزد.

**ب)** همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم (حافظ) / «همت»: «طلب دعای خیر» و یاری خواستن از روح پیر یا راهبر برای رسیدن به کمال است.

طایر: پرنده / قدس: پاکی // طایر قدس: استعاره از پیر راهدان

**گوشزد:** اگر «همت» از آن خودمان باشد به معنای «اراده و کوشش» و اگر کس دیگری آن را به ما دهد به معنای «طلب دعای خیر و یاری خواستن» خواهد بود.

۲- در کدام بیت‌ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

**بیت ۳:** فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس [فکری] (حذف) نکند، مثل من است ← حذف به قرینه لفظی

**بیت ۴:** خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران گنش آن خانه که [آن خانه] (حذف) بیت الحزن است ← حذف به قرینه لفظی

**بیت ۵:** جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که [آن جامه] (حذف) ننگ تن و کم از کفن است ← حذف به قرینه لفظی

**بیت ۱:** هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری [دلم] (حذف) نداشت غم که [دلم] غم بیش و کم نداشت ← حذف به قرینه لفظی

**بیت ۴:** با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که [آن فراغت را] جمشید جم نداشت ← حذف به قرینه لفظی



**بیت ۵:** انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی / چون فرخی، [انصاف و عدل] موافق ثابت قدم نداشت ← حذف به قرینه لفظی

## حذف

www.jafarisaeed.ir

@JS\_ir @sjafari\_ir  
jafari.saeed.ir اینستاگرام

به عبارتهای زیر توجه کنید.

**الف)** هم نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم نشین بد.

**ب)** آرزو گفت: «از نمایشگاه کتاب چه خبر؟»

در عبارت «الف»، فعل جمله دوم ذکر نشده است؛ اما خواننده یا شنونده از فعل جمله اول می تواند به فعل جمله دوم، یعنی «است» پی ببرد. در این جمله، حذف فعل به «قرینه لفظی» صورت گرفته است.

در عبارت «ب»، جای فعل «داری» یا «دارید» در جمله دوم خالی است؛ اما هیچ نشانه ای در ظاهر جمله، شنونده را به وجود فعل راهنمایی نمی کند. تنها از مفهوم عبارت می توان دریافت که فعل «داری» یا «دارید» از جمله دوم حذف شده است. در این جمله، حذف به «قرینه معنایی» صورت گرفته است.

هریک از اجزای کلام در صورت وجود قرینه می تواند حذف شود. اگر حذف به دلیل تکرار و برای پرهیز از تکرار صورت گیرد، آن را «حذف به قرینه لفظی» گویند. اما اگر خواننده یا شنونده از مفهوم سخن به بخش حذف شده پی ببرد، «حذف به قرینه معنایی» است.

## حذف به قرینه لفظی

www.jafarisaeed.ir

@JS\_ir @sjafari\_ir  
jafari.saeed.ir اینستاگرام

مواردی که حذف به قرینه لفظی به شمار می رود.

**الف)** گیله مرد گوشش به این حرف ها بدهکار نبود و اصلاً جواب نمی داد. (گیله مرد جواب نمی داد: حذف نهاد جدا)

**ب)** رفته بودم که او را ببینم اما نتوانستم [.....]. (نتوانستم او را ببینم: حذف جمله.)

**پ)** بهمن دیروز آمد. کی .....؟ (کی بهمن آمد: حذف تمام اجزای جمله.)

بهرام آمد. چه کسی .....؟ (چه کسی آمد: حذف فعل.)

**ت)** [....] خلوتی داریم. (ما خلوتی داریم: حذف نهاد به قرینه لفظی.)

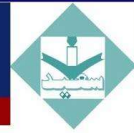
■ نه عمر خضر بماند نه ملک اسکندر / نزاع بر سر دنیی دون مکن درویش. (نه ملک اسکندر بماند.)

www.jafarisaeed.ir
@JS\_ir
@sjafari\_ir
jafari.saeed.ir اینستاگرام



## حذف به قرینه معنایی

www.jafarisaeed.ir



مواردی که حذف به قرینه معنایی به شمار می رود.

**الف)** به سلامت، بسیار خوب، شکر خدا، به جان شما (حذف فعل در جمله های پرکاربرد).

**ب)** هرچه ارزان تر، بهتر. چه بهتر که شما این کار مهم را برعهده بگیرید. (حذف فعل اسنادی در جمله های مرکب.) (هرچه ارزان تر باشد، بهتر است.)

**پ)** به خدا. (به خدا سوگند می خورم.) **ت)** مرگ به که بیماری. (مرگ بهتر از بیماری است.)

**ث)** سعدیا، مرد نکونام نمیرد هرگز. (سعدی را فرامی خوانم)

**ج)** افسوس بر اینان که به غفلت گذرانند. (افسوس می خورم.)

■ تویی که خوبتری ز آفتاب و شکر خدا / که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل (شکر خدا را می گویم.)

■ گه به دهان بر زده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف. (برزده بود. / چو تیری بود)

www.jafarisaeed.ir

@JS\_ir

@sjafari\_ir

jafari.saeed.ir اینستاگرام

## قلمرو ادبی

۱- کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

**الف)** ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس، همچو من است

«مرغ اسیر» معنای مجازی دارد؛ زیرا در معنای حقیقی خود به کار نرفته و به معنی انسان آزادی‌خواه است؛ اما «مرغ گرفتار» در معنای حقیقی خود (پرندۀ اسیر در قفس) به کار رفته است.

**ب)** نشاط غربت از دل کی برد حبّ وطن بیرون / به تخت مصرم اما جای در بیت الحزن دارم (صائب تبریزی)

در این بیت «بیت‌الحزن» استعاره از غربت یا میهن است.

**پ)** در بیت الاحزان درآمد و نالید؛ چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید. (قصص الانبیا) // بیت الاحزان: خانه غم‌ها

معنای حقیقی دارد نه مجازی؛ و معنی خانه اندوه می‌دهد.

۲- با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت

**الف)** درباره تلمیح به کار رفته در بیت اول توضیح دهید.





این بیت اشاره به داستان جمشید، پادشاه بزرگ و اسطوره‌های ایران دارد که ارتشی نیرومند، سرمایه فراوان و پادشاهی‌ای طولانی داشت و ی همچنین جامی جهان بین داشت که می‌توانست در آن از آینده با خبر گردد. جمشید به دلیل منی کردن و خودبینی از خدا دور شد و به دست ضحاک به دو نیم گردید.

ب) مصراع‌های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید.

تهی بودن جیب از مال: کنایه از فقیر بودن / تهی بودن جام از می: کنایه از شاد نبودن، خوشی نداشتن / از قلم افتادن: کنایه از فراموش شدن

## قلمرو فکری

۱- شعر «آزادی»، نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

**بازگردانی:** آن کسی را که در این سرزمین (ایران) به پادشاهی رساندیم، امروز مردم مطمئن شدند که او شیطان است.

**پیام:** محمد علی شاه ظالم شایستگی پادشاهی ندارد و به اشتباه او را پادشاه کردند. (محمد علی شاه پادشاه ظالمی است)

خانه‌ای که کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحزن است

**بازگردانی:** آن کشوری که به دست بیگانگان آباد شود آن را با اشک ویران کن؛ زیرا آن خانه، خانه غم و اندوه است.

**پیام:** تکیه داشتن مردم به خود - محمد علی شاه بیگانه پرست بود و کمک از روسیه گرفت و این کار نادرستی بود.

۲- در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طرّف چمن است ← علامه علی‌اکبر دهخدا

ب) مردم صاحب قلم ← روشنفکران، نویسندگان و شاعران خردمند

۳- به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمدتقی بهار، عارف قزوینی و فرّخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت.

**گوشزد:** گونه‌های غزل ← ۱- عاشقانه (سعدی) ۲- عارفانه (مولانا) ۳- تلفیقی (حافظ) ۴- اجتماعی

■ از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

تا پیش از مشروطیت، غزل درون مایه‌ای کاملاً عاشقانه و عارفانه داشت؛ اما پس از مشروطه درون مایه غزل، سیاسی - اجتماعی شد و سراینده‌گان به مشکلات مردم توجه کردند. هر دو غزل درس به بیان مسائل سیاسی - اجتماعی توجه دارد. آزادی خواهی، وطن پرستی، بیگانه‌ستیزی و ... از جمله مسائل مهمی‌اند که این دو شاعر به آنها پرداخته‌اند.

۴- فرّخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

عدالت خواهی و ثابت قدم بودن او در این راه

۵- با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است (عارف قزوینی)

فرّخی ز جان و دل می‌کند در این محفل / دل نثار استقلال، جان فدای آزادی (فرّخی یزدی)



**پیام مشترک:** شهادت طلبی، جانفشانی در راه میهن و آزادی، بیگانه ستیزی

۶- .....

## گنج حکمت: خاکریز

در لحظات اول عملیات که خطوط دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار سلاح‌های زیادی قلعه را در دست داشت. شهید ساجدی با توجه به اینکه نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته، احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می‌دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده‌دم اجرا و احداث می‌شد؛ ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیت می‌گفت: «خاکریز را صبح تحویل می‌دهیم.»

**قلمرو زبانی:** عملیات: اجرای طرح‌های نظامی / خطوط: ج خط، مرز / موسوم: نامیده (شده) // مسائل: ج مسئله / باختن: از دست دادن (بن ماضی): باخت؛ بن مضارع: باز) // روحیه را باختن: ناامید شدن / احداث: پدید آوردن / خاکریز: پشته خاک، سنگر / دوجداره: دارای دو جدار (جدار: دیوار) / دید: چشم‌انداز / تسلط: چیرگی / سپیده‌دم: پگاه، صبح زود / قلمرو ادبی: در دست داشت: کنایه از در اختیار داشت / خطوط دشمن شکسته شد: کنایه از شکست و عقب نشینی

عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس آنها شهید ساجدی، آرام و قرار نداشتند. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت نه کیلومتری به پایان رسید و خاکریزی که به کمک دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمنده ایجاد کرد؛ اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی‌کرد. او پیش بینی می‌کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات روبه‌رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش گرفتن بچه‌ها وجود دارد؛ به همین دلیل، مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دو جداره یاد می‌شود، احداث نمود.

آن روز با تدبیر حساب شده شهید ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کنند و به پیروزی رسند.

**قلمرو زبانی:** رأس: بالاترین نقطه / دقایق: ج دقیقه / روحیه: امیدواری، حالت عاطفی / راضی: خرسند (هم‌آوا؛ رازی: اهل ری) // تسلط: چیرگی / تدبیر:

چاره‌گری، چاره‌اندیشی / قلمرو ادبی: زیر آتش گرفتن: کنایه از گلوله باران کردن

روایت سنگرسازان ۲، عیسی سلمانی لطف آبادی